



تحقیق

در

فلسفه کلامی معتزله

(۶)

بعضی از نظریات علمی و کلام نظام عبد القاهر بغدادی در کتاب «الفرق بین الفرق»، نظریات نظام را بسا تفصیل بیان کرده است که کلیات آن را میتوان چنین گفت: نظام معتقد بوده است که خداوند بر انجام کارهای بد قادر نیست، و نیز قادر نیست کارهایی که به زیان بندگان باشد، انجام دهد. بطور کلی و تقریباً، او خدا را در انجام بیشتر کارهای مربوط به بندگانش مجبور میدانسته است، یعنی او را مانند علل طبیعی انگاشته، چنانکه گفته است: خدا در آخرت نمیتواند ذره‌ای از نعمتهای اهل بهشت و اندکی از رنجهای اهل دوزخ را کم و زیاد کند، زیرا، این کارها خلاف عدالت است. نظام منکر معجزات بود و شاید در این عقیده باینگونه آیات قرآن استدلال کرده باشد که می‌فرماید: «چون ملل گذشته معجزات پیامبران پیشین را تکذیب کردند، ما به پیامبر اسلام معجزه ندادیم»^۱ نظام خداوند را حقیقه «موصوف به اراده نمی‌دانست، بلکه معتقد بوده است که او بر حسب علم و قدرت خالق اراده است. و بر آن بوده است که «خیر» از قدر و تقدیر است، و «شر» از سوی بندگان.^۲ او برای خدا

* - آقای یوسف فضائی. از پژوهندگان معاصر.

قائل به صفات ثبوتی ، مانند علم و قدرت و حیات و عدل نبوده است ، بلکه می گفته است: معنای این سخن که «خدا عالم است»، اینست که او جاهل نیست ، قادر است یعنی عاجز نیست، و همینطور صفات دیگر او.^۲ او درباره‌ی فصاحت قرآن معتقد بوده است ، که نظم و حسن تألیف آیات قرآن ، دلیل معجزه بودن آن نیست ، چه آنکه فصاحتی دیگر نیز ، به آوردن نظیر آنها توانا بوده و در هر زمانی بوده‌اند، بلکه معجزه بودن قرآن ، از جهت مشتمل بودن آنست بر خبر دادنش از غیب و پیشگوییهای آن.^۴

عقاید فلسفی نظام
در علوم طبیعی
 عقاید نظام درباره‌ی علوم طبیعی و مسایل فیزیکی و شیمیائی اجسام، قابل توجه و علمی بوده است. عقیده‌ی او درباره‌ی «جزء لایتجزی» یعنی «اتم» این بوده است که قابل انقسام است بر اجزائی نهایت و همه‌ی اجسام گوناگون از جزء لایتجزی ترکیب یافته است. او از این نظریه‌ی خود نتیجه می گرفته است که اجسام مختلف جهان، از اجزائی نهایت پدید آمده است. علم خداوند هم محال است بر چیزهای بی نهایت احاطه کند، پس علم خدا نمی تواند بر جهان بی نهایت محیط باشد و کیفیات بی نهایت آنها را بداند . عقیده‌ی نظام درباره‌ی چگونگی خلقت و پیدائی حیوانات بسیار جالب و بلکه با علم زیست شناسی امروزی تطبیق می کند . او در این باره گفته است : همه‌ی انواع حیوانات از یک جنس و از یک نوع پدید آمده‌اند ، زیرا همه‌ی آنها در بیشتر خصوصیات حیوانی ، مانند حرکت ارادی و رشد و نمو و احساس و شعور باهم یکسانند.^۵ بیشتر نظریات او در مسایل فلسفی و طبیعیات از فلسفه‌ی قدیم یونان سرچشمه گرفته است، او کوشیده است با تلفیق موازین و عقاید دینی و اصول کلامی با آن عقاید ، نظریات فلسفی و کلامی تازه‌ای بوجود آورد.^۶

آثار نظام
 نظام ، کتابها و رسالاتی زیاد در فلسفه و کلام و علوم دیگر نوشته است که این ندیم سی ونه کتاب او را شمرده است. در اینجا به چند کتاب مهم او اشارت می کنیم: کتاب اثبات الرسل ، کتاب التوحید ، کتاب الرد علی الدهریه ، کتاب الرد علی اصناف الملحدین، کتاب القدر ، کتاب فی العدل ، کتاب فی العالم الکبیر ، کتاب العالم الصغیر ، کتاب الانسان ، کتاب المنطق ، کتاب الحركات ، کتاب الصفات ، کتاب الجواهر والاعراض ، کتاب خلق الشیء ، کتاب فی القرآن وما هو ، و کتاب الرد علی المرجئه ...^۷

از جمله سخنان جالب نظام اینست که گفته است : «العلم شیء لا یعطیک بعضه ، حتی تعطیه کلک» یعنی : دانش چیزی است که اگر بخواهی بهره‌ای از آن فراگیری ، باید همه‌ی عمرت را صرف کنی.^۸

دیگر از بزرگان مشهور و صاحب نظر معتزله ، که پیشوای فرقه‌ای از معتزلیان بصره بوده، ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب، ملقب به جاحظ

(۱۶۳-۲۵۵) از مردم بصره است. جاحظ در عصر خود نابغه‌ی علوم و عالمرین متکلم در علوم عقلی و نقلی زمان خود شمرده می‌شده است.^۹ این دانشمند معتزلی، علاوه بر اینکه متکلم صاحب نظر و فیلسوفی ماده‌گرا بوده، در فنون ادبی نیز استادی بی‌نظیر شمرده می‌شده است و کتاب «البیان والتبیین» معرف اوست. ابن ندیم درباره‌ی او نوشته است: جاحظ اگر کتابی بدست می‌آورد - هر کتابی که باشد - از اول تا آخر، آن را با دقت می‌خواند. او دانشمندی بوده است فصیح و خوش بیان، که همه کتابهای او نیز ازین صفت برخوردار است.^{۱۰} جاحظ همه‌ی کتب مربوط به فلسفه‌ی یونان را، که در آن وقت به عربی ترجمه شده بود، خوانده و خودش صاحب نظر گشته بود. از این رو، علوم طبیعی و فلسفی مشای ارسطو را مبنای عقاید کلامی و فلسفی خویش قرار داده است. او، پس از مطالعه و تحقیق در کتابهای فلاسفه‌ی یونان، نخبه‌ی مطالب آنها را، بایان شیوائی، در عقاید کلامی معتزله و در نتیجه مسلمانان وارد کرده و در آن علوم صاحب تصانیفی متعدد و متنوع و عقاید و نظریاتی خاص شده بود.^{۱۱} اکنون باختصار اشاراتی به کلیات عقاید و نظریات فلسفی و کلامی جاحظ میشود:

اشارت به کلیاتی از عقاید و نظریات جاحظ

از موارد جالب عقاید جاحظ، یکی اینکه او به نوعی جبر معتقد بوده است، بدین معنا که اختیار انسان را تنها در اراده‌ی او میدانسته و بس، نه در عمل. او جهان را قدیم و مانند خداوند ازلی و غیر مخلوق میدانسته و بر آن بوده است که هیچ موجودی معدوم و نابود شدنی نیست. همچنین می‌گفته است که برای موجودات جهان - یعنی ماده‌ی تشکیل دهنده‌ی آنها - آغاز و انجامی متصور نیست.^{۱۲} این نظریه‌ی فلسفی جاحظ، یعنی اعتقاد او به بی‌آغاز و انجام بودن جهان مادی، امروزه مورد قبول و تائید دانشمندان مادی است. زیرا امروزه در اثر پیشرفت علوم، دانشمندان شیمی، مانند لاوازیه فرانسوی، ثابت کرده‌اند که مقدار ماده در جهان ثابت و بی‌آغاز و انجام است نتیجه کلامی این نظریه جاحظ اینست که موجودات جهان قدیم هستند و آفریننده‌ای، که آنها را در آغاز از نیستی به هستی آورده باشد، تصور نمی‌شود، بلکه معنای آفرینش آنست که موجودات مادی جهان همیشه در تحول و حرکت و تکامل است. عقیده‌ی جاحظ درباره‌ی عوالم قیامت و بهشت و دوزخ این بوده است که: نعمتهای بهشت و رنجهای دوزخ برای اهل آنها، امری قهری و طبیعی و از راه علت و معلول است. آتش دوزخ است است که اهلش را بخود میکشد. اهل بهشت قهرآبه بهشت جلب می‌شوند، نه اینکه خداوند آنها را در آنجاها ببرد.^{۱۳} جاحظ در علوم طبیعی و زیست‌شناسی نیز دارای تحقیقات و نظریات خاصی بوده است و در آن باب، «کتاب الحیوان» خود را نوشته است. جاحظ را برای اظهار چنین عقاید جدید در علم کلام، که احیاناً با عقاید و الهیات اسلامی نامناسب می‌نموده است، تکفیر کرده‌اند.

تالیفات جاحظ جاحظ تالیفات و تصانیف بسیار در علوم دینی، ادبی، طبیعی، کلامی و فلسفی نوشته است. نوشته‌های او دو گونه بوده است: نوشته‌های

بزرگ و مهم که آنها را «کتاب» خوانده که این ندیم تعداد آنها را صدویازده مجلد شمرده است. نوشته‌های کوچکی که آنها را بنام «رساله» خوانده و تعداد آنها را بیست و سه مجلد یاد کرده است. اکنون بمهمتر آنها در اینجا اشارت میشود: کتاب الحیوان در علوم طبیعی که هفت جلد است، کتاب الزرع والنخل، کتاب الفرق بین النبی و المتنبی، کتاب الرد علی اصحاب الالهام، کتاب نظم القرآن، کتاب فضیلة المعتزله، کتاب الرد علی المشبه، کتاب الامامة علی مذهب الشیعه، کتاب الرد علی النصاری، کتاب صناعة الکلام، کتاب الاصنام، کتاب البخل، کتاب الرد علی اليهود، کتاب البلدان، کتاب الاخبار، کتاب التمثیل، کتاب الاعتزال، کتاب عناصر الآداب و کتاب البیان والتبیین.

- ۱- قرآن: سوره اسراء، آیهای ۵۸، ۹۰
- ۲- شهرستانی: ترجمه‌ی ملل و نحل، چاپ تهران، ۱۳۵۰ ه. ق.، ص ۴۱، ۴۳
- ۳- اشعری: مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، چاپ قاهره، ۱۳۶۹ ه. ق.، ج ۱، ص ۲۲۷
- ۴- ابوالحسن اشعری: مقالات الاسلامیین، چاپ قاهره، ۱۳۶۹ ه. ق.، ج ۱، ص ۲۷۱
- ۵- درباره‌ی تفصیل نظریات نظام نگاه کنیده، الفرق بین الفرق، چاپ قاهره، ۱۳۶۷ ه. ق.، از ص ۷۹ تا ۹۱
- ۶- شهرستانی: ترجمه‌ی الملل و النحل، چاپ تهران، ۱۳۵۰ ه. ق.، ص ۴۱
- ۷- الفهرست ابن ندیم، چاپ تهران، ۱۳۴۶ ه. ق.، ص ۲۹۹
- ۸- خطیب بغدادی: تاریخ بغداد، ج ۶، چاپ قاهره، ۱۳۴۹ ه. ق.، ص ۹۷
- ۹- احمد امین: ضحی الاسلام، ج ۳، چاپ هفتم قاهره، ص ۱۲۸
- ۱۰- الفهرست ابن ندیم، چاپ تهران، ۱۳۴۶ ه. ق.، ص ۳۰۴
- ۱۱- شهرستانی: الملل و النحل، چاپ تهران، ۱۳۵۰ ه. ق.، ص ۵۶
- ۱۲- عبدالقاهر بغدادی: الفرق بین الفرق، چاپ مصر، ۱۳۶۷ ه. ق.، ص ۱۰۶
- ۱۳- عبدالقاهر بغدادی: «کتاب علوم انسانی و مطالعات فرسنگی»

وسوسه عاشقی

روی به محراب نهادن چه سود!
 دل به بخارا و بتان طراز.
 ایزد ما، وسوسه عاشقی
 از تو پذیرد، نپذیرد نماز.
 رودکی